

آگاتا کریستی پدیده‌ای توریستی

ملکه چنایت که محبوب گردشگران است



هفته نامه تعطیلات نو

<http://www.newholidays.ir>

شماره ۷۹ : صفحه ۱۳

تاریخ : ۱۳۹۱/۰۳/۲۰

اتا کریستی علاوه بر این خود در یک اکتشاف باستان‌شناسی دست

اطمئن شاهزادی
fatemeh@newholidays.ir

هتلی کہ در آن اقامت داشت
لکھاں اور در هتل براپا اس در استنبول ترکیہ ہم مکان توریستی دیگری
بنت کہ گردشگران از ماہا پہنچ بڑا اقامت در آن نامنویسی می کنند۔
بن هتل در میان مشاہیر ادبیات هتل محبوبی بود۔
مینیگوی، یان فلمینگ، گراہام گرین، جان یووی و کلاؤڈ فار برخی از

A bronze memorial plaque for Agatha Christie. It features a circular portrait of her in profile, facing right, with her hand resting near her chin. Below the portrait, the name "AGATHA CHRISTIE" is engraved in large, bold letters. Underneath that, a smaller rectangular plaque reads "MILE". At the bottom, the words "TORRE ABBEY" are inscribed.

آگانه کریستی مشهورترین و پرکار ترین نویسنده رمان
جنایی در چهل سال است. مجموعه های خاتم مارلی و
«بی او» و «که از در داستان های خود اساخته شده است باد مرد». آنکه
داستان های خود را باشد شنیدن او کل جایات خود را
نمی خورد. میریستی ۶۶ رمان جنایی نوشته است و در کتاب رونگهارهای گیگنس مقام
اول در میان پرفروش ترین نویسنده داشت. کتاب در تمام دوران
بعد از این کتاب کسی هم رمان دوم را در میان پرفروش ترین نویسنده های در
آمریکا نمی خورد. زندگانی خود را بر می زیره ای به خود اختصاص داد. نویسنده زده که در
میلیارد از ترجمه های کوتاهی ای به زبان اصلی (انگلیسی) و یک میلیارد
درگیر در ترجمه های کوتاهی است. ۱۰۰۰ زبان به کتاب ای فرانش روسیده
است. مجموعه های کریستی تا حاضر ای هست که مدل در کشوری
مثل فرانسه تعداد کتاب های که از او تا سال ۲۰۳۰ به فروش
رسانیده باعث ۴۰ میلیون جلد بوده است.



آثار به جامانده از نویسنده ماجراجو تبدیل به جاذبه‌های گردشگری شده است

شهر گردشگری

دیکتر برای اینکه گزارش‌هایش را سریع برای چاپ به «مورنینگ کرویکل» برساند مجبور بود در مشکله‌ای که نمودنرا در موزه‌اش به نمایش گذاشتند، تندویسی کرد. تندویسی از دست نویسنده‌ای را که از آن موزه علاوه بر این که از ذهن حکایت می‌کند که معلوم است تند و تیز است و سریع می‌نویسد.

دیکتر سفر نامه‌نویس
دیکتر به سفره می‌رفت. اولین سفر او به امریکا که در سن سی‌سالگی و بعد از نوشن پیور توبیت در تمام طول سفر بور داد خوش برآشید و برآن‌گاه در سی‌سالگی و بعد از نوشن پیور توبیت در طبقه‌هاش به امریکا با نام بادیاداشت‌های امریکایی، خلخال خوش نیامد و این احساس را دریک در طبقه‌هاش به این شکل توصیف می‌کند: «عدد زیاد حوال همقفلار خودمان که بینده از مرکزی این ایام اجتماعی، آنها هفون و خیافت محض فکر می‌کنند».

در انتخابات، رشوه‌ها و بدیعت‌هایان با عالمان دولت و قانون و حملات بزیله به حریف در روزنامه‌هایی که تنها بددهنی و هنگامی کنند» است. «جایی که فلمهای امارای همچون خنجرهای به اطراف پرتاب می‌شوند» اما در سفرهای بعدی نظر او نسبت به امریکا تغییر کرد. او به پاریس هم سفر کرد و یعنی از داستان‌هایش را آنچه نوشت.

هفته نامه تعطیلات نو

<http://www.newholidays.ir>

شماره : ۸۱ شماره صفحه : ۱۲

تاریخ : ۱۳۹۱/۰۴/۳

پسر جهادی که بیالاش را برای گرفتن آتش پیشتر خلو آورد، اسکروخ خسیس در حال شمردن سکه‌هایش، خیابان‌ها و کوچه‌های کثیف و تاریک لندن شما را باد جه کسی می‌اندازد! جاری دیکتر خاقان آزویهای بزرگ و المور تونیست. او جندماه پیش دوست ساله شد. خانه‌اش در لندن که شاهکارهای ساله‌ها از ص嘘ه دهن مازده می‌شود. دیکتر در آن توقیت این کودک قیصر در آن زندگی بخشید حلال تبدیل به موذ و جایی برای کنکاش گردشگران شده است. چارز دیکتر تصویری از لندن به ما داد که نا از اراده ای دود و کار را به جایی رسانند که او را به زندان مارشالیسی اندانند. به همین دلیل دیکتر ۱۸۱۲ ساله را برای تابین عماشان کاخ به کارخانه و اکس سازی «اوون» فرستادند. او از اراده پدرش از زندان همچنان مجبور به کار بود تا بالآخر بعد از مراجعت پدر توائست به مدرسه بازگرد. زندگی پر فراز و نشیب داشت. به عنوان وزیرنامه‌نگار در نشریات مختلف مشغول به کار شد و در سال ۱۸۷۰ از دنیا رفت.

فاطمه شاهجهانی
fatemeh@newholidays.ir

فضلای از موزه دیکتر ماریپارا کی است که از آسمان علاوه بر ماه و خویشی‌حروف ریز و درستی اوضاع را درست. دوازده ماه تبراند و طراحی‌اش به کوچه پیش‌کوچه‌های تدبیه لندن می‌ماند. یک طرف این شهر بازاری شده، ثناوار است طرف دیگرش زندان آن طرف تابوت‌سازی و طرف دیگرش استگاه قطار، طرف این شهر لندن بازاری شده. بکی از معروف‌ترین همزایی کار دیکتر هم هست که دو روان معروفش به اسم «آزویهای بزرگ» و «دوست مشترک» مایه را پشت چشم می‌بیند.

نیوتن است.

حروف ریز و درست ایجنه از انسان و ایمیشی از دیکتر که او را در حال فکر کردن و ایندیزایی شناس می‌دهد و دست خط او که ماده در پیراهه در ایزکی در این ایمیشی ظاهر می‌شود و شناسی از رو و دیوار این شهر ساختنی ویران است. محل در زندان معروف نیوگت که دیکتر در ایام هارلی روحی ساخته و پرداخته شده که اکثر اینده‌های این زوجه دارند در حقیقت کارهای این زوجه دارد و هم از دست‌گذشته‌ای را که مراجم کارش می‌شده‌اند بنشون. دیکتر اینجا عبور هنگران را بینند و می‌دانند در کلش و دست‌گذشته‌ای را که مراجم کارش می‌شده‌اند بنشون. دیکتر پشت میز کارش می‌نشخهایی را که از انجا عبور هنگران را بینند و می‌دانند. این ایده را که از ایجادهای جرمی که بر از گذشت زمان تکه‌های شده‌اند.

خانه آزویهای بزرگ

دیکتر خانه‌ای داشت در خیلی داروی لندن که برینتا اسال برای بازسازی اش به میانی دوستمن

سال‌الولد این نویسنده نزدیک به میونی میونی ورن خرچ کرد. نام پیروزه بازسازی این خانه را می‌داند.

«آزویهای بزرگ» گذشتند. حال این خانه در علاقه‌گران ساری است.

دیکتر در این خانه روزهای خوشی را گذراند. ساعاتی که بوقمه و منظم پشت میز کارش می‌شست و هر از چهار پشت چهاره می‌رفت از انجا عبور هنگران را بینند و می‌دانند در کلش و دست‌گذشته‌ای را که مراجم کارش می‌شده‌اند بنشون.

خانه به از کتاب سفیدهایی که یا با اولین ساخته‌های داستان‌ها و رمان‌های دیکتر بر شده

آنچه‌ای را که از ایجادهای جرمی که بر از گذشت زمان تکه‌های شده‌اند.

حالی به ظرف می‌رسد میزی در این خانه داشت که دیکتر اخرين کلکات خود را روی آن نهشته است.

روی میز جذن‌نای کتاب جلد جرمی با گاذنهای کامی بوسیده قرار دارد که اکثر از محل خانه دوشهیزه

حوالشام رام «آزویهای بزرگ» اینها را بیرون گشیدند. دیکتر سخت منظم بود و برای نویشن برآمده

روزانه مشخص شاشت. سخنهای اغایی با جلد مقایی رام «یکاکلیس نیکلی» از جمله شاهدی است که نشان از کار سخت دیکتر دارد.

مهرشاسی دیکتر

دیکتر خواب نداشت و به نوعی خوابی دچار بود. به همین خاطر شب‌ها در لندن قدم می‌زد و از این

سر شیر به آن سرش گیرفت. به معنی دلیل شهر را مثل کفت دست می‌شناخت. حافظه تصویری فوق‌العاده ای می‌داند و هنگام شخصت‌های داستانی را زار این نظله شهر به این نظله شهر به این

یکی نظله می‌برد. به همین دلیل هم هست که نمایشگاه این نویسنده چندماه پیش در موزه شهر

لندن برپا شد از آنجا که شهر خودش به یکی مهم‌ترین شخصیت داستان‌های این نویسنده تبدیل شده است.



{ گشتنی در بنیاد و موزه "هرمان هسه" }

خانه‌ای از تاریخ و ادبیات



پس از سال به جدایی اتحادیه، در سال ۱۹۳۱ برازی بار سوم بازی به نام "نینون اوسلاندر" (Ninon Ausländer) ازدواج کرد و به خانه جدیدی نقل مکان کرد و تا پایان عمرشان در آنجا زوگ‌گار گذراند.

زندگی در این مکان برازی "هسه" از این‌شی در دوری به همراه آورده که در آن روزگار تنهایی و گوش‌گیری‌اش زینه‌ای شد نه تنها برای اغلب آنار چون "سیدارا" ۱۹۲۲ "برگس وزرین دهان" ۱۹۳۰ و "بازی" بهدهای شیشه‌ای ۱۹۴۴ که اوازه به جهت ایجاد جهانی تبدیل شد، بلکه آغازی سبزی از سرگزیر نقاشی در زندگی‌اش این بارا استفاده از اینگ. وی بالاتم از زیبایی مناظر شگفت‌انگیز که طی راهنمایی‌ای روزانه‌اش در اطراف منطقه "په‌طابانی" (collina d'oro به‌انها برای خود، به خلق این آثار پرداخت.

این موزه شامل یک نمایشگاه دائمی است و فضای راکه این نویسنده چندین سال در آن منطقه جنوبی کوه‌های آلب

در آن می‌رسانسته را برای بار دیدنگان ترسیم می‌کند. همچنین برخی از لوازم شخصی نویسنده همه‌را تعداد قابل توجه عکس، کتاب و نقاشی‌های این‌گردی در معرض دیده کنکاران قرق‌فرازند.

علاوه بر این نمایشگاه دائمی، بنیاد و موزه در طول سال اقدام به برگزاری نمایشگاه‌های مؤقت، کنسرت، نمایش فیلم و نمایش امنی و حنی حلقات کتاب خوانی هنگامی به دزبان ایتالیایی و ایالی ایتر ترتیب می‌دهند. همچنین به بهانه افتتاح این موزه،

شیه‌داری "مونتیلولا" برنامه‌های پیاده‌روی گروهی برگزار می‌کند. مسیر این راهنمایی در بازدید از سایده محل که شامل خانه‌های هسه، مکان‌های مورد علاقه وی و همچنین سایر مکان‌هایی که در زندگی وی نقشی تأثیرگذار داشته‌اند، تعریف می‌شود و در نهایت به محل دفن این نویسنده ختم می‌شود.

کافه-کتاب "زین دهان" در کاران مجتمعه نیز فضای است برای اشتراحت که امکان استفاده را بگران از اینترنت و همچنین مطالعه و زمانه و مستند از کتابخانه کوچکی را در اختیار بار دیدنگان قرار می‌دهد. در این کافه با ا نوع نویشنی‌ها و پیرهای کیک‌های بخوبی از مهستان بذریابی می‌شود.

دوشنبه فلاح رنجبر
موکر بزوشن‌های تعطیلات نو



هفته نامه تعطیلات نو

<http://www.newholidays.ir>

شماره : ۷۴ شماره صفحه : ۶

تاریخ : ۱۳۹۱/۰۲/۹

هرمان هسه "نویسنده، شاعر و نقاش آلمانی" - سوئیسی تبار است که اثر ادبی‌ای در زمرة برپوش ترین آثار قرون پیش‌تر می‌لادی قرار داردند. وی در سال ۱۸۷۷ در شهر کلاو (Claw) در استان بادن-فورتمبرگ (Baden-Württemberg)، کشور آلمان متولد شد. در سال ۱۹۴۶ وی موقت به دریافت جایزه نوبل در مضمون ادبیات برای "ایزی" همراهی شنیده‌ای "دند اوک در خواب‌آدای مذهبی مولود شده بود از طبق مادر و بدیزیر گش که هر دو مدنی به عنوان مبلغ مذهبی در هندوستان زندگی کرده بودند، با میان فلسفی هند آشنا شد و ملاطفه‌اش به مقامه فلسفی هندوستان در برخی آثارش مانند "سیدارا" به وضوح دیده می‌شود. "سده" همچنین به مطالعه ادام و مانند فلسفی سایر کشورهای اسیایی از جمله چین بیزدراخته و پرداخت.

در سال ۱۹۵۸ در پاسخ به نامه یکی از خوانندگان این‌اش می‌نویسد:

ای‌سعی من بر این بوده که کشف کنم آن چیز است که بین تمام

باوهای مذهبی و اشکال مختلف آن مشترک است. چیزی که بالاتر از (روای) تفاوت ملیت‌ها در اراده و چیزی که توائد قابل باور و مورد احترام برای همه اقوام و افراد باشد.



در اول جولای ۱۹۶۲ از طرف شهیدار "مونتیلولا" عنوان شهرهوند افتخاری به وی اعطاشد و در ۱۹۷۶ همان سال در سن ۸۵ در مالکی دار فانی را واعظ گفت و در "جنتیلینو" (Gentilino) در نزدیکی "مونتیلولا" به حاک سپرده شد.

بنیاد "هرمان هسه" در سال ۱۹۹۷ به تأسیس موزه‌ای در محل خانه وی در "مونتیلولا" (Montagnola) واقع در کشور سوئیس اقام نمود. این موزه در محل برج "کاموتزی" (Torre Camuzzi) و در کاخ خانه کاموتزی (Casa Camuzzi) (نامیس نمده است. ساختمان بیانی که هسه از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۱ از این بخش ای از این بخش ای از این جای

تمامی منظره برآج لاجان (Lake Lugano) می‌نشست.

وی در سال ۱۹۱۹ از همسر اولش ماریا برنولی (Maria Bernoulli) و

سه فرزندش جدا شده و مونتیلولا نقش مکان کرد. پس از آن در سال ۱۹۴۴ بازی به نام روث ونگر (Ruth Wenger) ازدواج کرد که این ازدواج هم

درمان بیماران روی قالیچه ایرانی

فاطمه شاهجهانی

fatemeh@newholidays.ir

اما نکته جالبتر این ناشیان برای ما اینکه کتابهای فروید با یک قالی
فقطهای «سکلول» و شنیده شده بود و فروید اصرار کرد که قالی هم حتما
باید همراه کتابهای به لدن بیاید. به رحال نه تنها قالی که روی کتابهای
بود، بلکه تعداد زیادی از قالی‌های فروید به سلامت به لندن رسیدند و در
حال حاضر هم روی یکمین کتابهای معروف و روی گف و دیوارهای دفترش
که همراه شده است می‌توان آنها را دید.

جلیلی از قالی‌های دیگر فروید هم سر از موزه‌ها و گالری‌های مختلف
دیگر در اورده‌اند.

خانه کودکی فروید در چک

خانه کودکی فروید در شهر بریبورج چک هم تبدیل به موزه شده است. در
این خانه تا سالها تنها یک تالیف عکس ساده‌ای از فروید وجود داشت.
که مثلاً نشان معد اینجا محل تولد فروید است. تا سال ۱۹۶۹ این مکان
در اختیار تبروهای دولتشی بود.

سال بعد از وفاش در این شهر جسمهای به پاد اسخنه شد و ۲۰
سال بعد امام روزگر تبریز میدان شهر کناره شد. فروید سال‌های
اویله زندگی خود را در شهر بریبورج گذراند.

بعد از آن به همراه پدر و خانواده‌اش که یکی از صنعتگران ساسی بود
به سبب مشکلات مالی به وین پایتخت اتریش مهاجرت کرد. خانواده‌ای که
فروید در آن متولد شد بلاکی دارد که پایاور تولد اوست و علامتی که
یک کلید زینتی به ان اوجوان است.

با شنیدن نام فروید بیشتر آدم‌ها یاد کتاب تعبیر خواب مثل دیوان حافظه بارها و بارها

آنستاده می‌شود و آن استناد می‌شود. فروید برای هر خواب تعبیری دارد؛ اما اهمیت او از نظر گردشگری هم کم نیست. یکی از معروف‌ترین کتابهای های جهان یا شاید بیشود گفت معروف‌ترین و محبوب‌ترین کتابهای جهان متعلق به اوست.

آدم‌هایی از سراسر جهان خود را به این کتابهایی می‌رسانند تا در ذهن خود خاطره‌ای را که در آن فروید بیمارش را روی کتابهای
نشاند و در حال تبلجه باش است، تذاعی کنند. در کبار این کتابهای فرضی می‌بینید که متعلق به ایران است و نگذاشی

ایرانی‌ها را در بیاره فروید و زندگی او صد چندان می‌کنند.

پژوهش بوده است که هرگاه درد بر او غلیه کرد برشک با تزریق موفرین

جان اورا پیکرده.

از وین به لندن گریخت در سال ۱۹۳۸، یعنی زمان مرگ آن فروید دختر او که در این خانه به جای خود
ادامه می‌داد و بعد تبدیل به موزه کتابخانه‌ای فروید شده است.

کتابهای روانکاوی اصلی او هم همان حاشت، مجموعه‌ای بزرگ از لوازم
انتیک همان‌ها درستی مصر، یونان و خاور دور از قبیل در این جا
موجود است.

فروید هر چیزی جهان خانه‌ای داشته و در آن زندگی کرده حالاً آن خانه

با خاطرات خود را تذاعی کنند.

با خود شده با فرار است تبدیل به موزه شود. یکی از موزه‌های او خانه‌ای

فرود و مطب مشاوره او بود.

در وین، فروید تصمیم به مهاجرت گرفت و با کمک ویلیام بالیت دیبلمات

امریکایی و پرنس بنیارت و راکا فرنسی در سال ۱۹۷۸ وین را مهاجرت کرد.

با خلوه‌هایش به قصه پارس ترک می‌کند و پس از مدتی از جای به لندن

می‌رود و در همسرست سکی می‌گزیند.

در ۲۳ سپتامبر ۱۹۳۹ پس از دو روزه اعما که حاصل تزریق مرفن بود

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

روانشناس مهاجر

زیگموند فروید، راهم شهر پرینزبورگ در جمهوری چک کوئنی و امپراتوری
اتریش پیشین در سال ۱۸۵۶ است. پدرش پارچه‌فروش بود و وضع مالی
خوبی داشت. آنها بعد از مدتی به وین مهاجرت کردند و فروید در انجا
تحصیلات خود را ادامه داد.

او در وین مطیع بار کرده بود که به درمان بیماران روانی با استفاده از
هیپنوتیزم می‌پرداخت.

او بعداً تصمیم گرفت تداعی آزاد و تحلیل روایها را به جای هیپنوتیزم به

کار کرد و روی همان کتابهای معروف از سیمانی می‌خواست حرف بزند و

خطاطران خود را تذاعی کنند.

با علوه شده با فرار است تبدیل به موزه شود. یکی از موزه‌های او خانه‌ای

فرود و مطب مشاوره او بود.

این موزه شامل کسکه‌ها، بادگارها، استاد و الوام شخصی فروید است.

نمایشگاهی از زندگی و کار او به علاوه نوارهای صوتی و تصویری از سوابق

خانواده و همکاران او وجود دارد.

در ۲۳ سپتامبر ۱۹۳۹ پس از دو روزه اعما که حاصل تزریق مرفن بود

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

در ساعت سه نیمه شب جان سرید. قلای غدای سلطنتی در سق هدای

پیدا شده بود که برداشته شد. تزریق موفرین نیابر قراردادی بین فروید و

هیپنوتیزم می‌گزیند.

کامو در سفر کشته شد. هنگام مرگ در چیپ کت او یک بلیط قطار استفاده نشده بیدا شد. او ایندا قوار بود با قطار و به همراه همسر و فرزندانش به سفر برود ولی در آخرین لحظات پیشنهاد دوست ناشرش را برای همراهی بذیرفت تا خودروی او سفر کند. راننده آتومبیل و میشل گالیمار، دوست نزدیک و ناشر آثار کامو، نیز در این حادثه کشته شدند.



نگاهی به جنبه توریستی آلبر کامو

فلم به دست در سفر

آلبر کامو نویسنده معروف فرانسوی زبان به دلیل حرفه‌اش که خبرنگاری بود سفرهای زیبادی انجام می‌داد و از هر سفر یادداشت‌هایی به جا می‌گذاشت که در کتاب‌های مختلفی در قالب یادداشت‌های سفر گردآوری می‌شد. نمایشگاه دست نوشته‌های او که هر چندی در گوش و کنار جهان بریا می‌شود پیش توریستی جاذیت او را تشکیل می‌دهند علاوه بر اینکه با استناد به سفرنامه‌های او می‌توان به مکان‌های را که او از آنها عبور کرده یا در آنها زندگی کرده سفر کرد و با همان نگاه او این مکان‌ها را دید.

فاطمه شاهجهانی

fatemeh@newholidays.ir

از آفریقا به اروپا

آلبر کامو در ۷ نومبر ۱۹۱۳ در دهدکهای کوچک در الجزایر به دنیا آمد، در الجزیره زندگی و کار خبرنگاری کرد، می‌باشد ایالات متحده آمریکا رفت و انجا به زندگی برداخت و آنرا را به زبان فرانسوی خلق کرد و برندۀ جایزه نوبل ادبیات شد. به امریکا سفر کرد و دوباره به فرانسه برگشت و در بعداز طیور چشم را ۱۶۴ سالگی بر اثر سانحه تصادف زندگی نیز در شهر ویل بولول درگذشت. کامو پیش از خبرنگار و نویسنده بودن شغل‌های مختلفی را تجربه کرد. پیش از جوانی در تعطیلات تابستانی در بریتانیا در رفاقت دستمزدی اندک در غفارها کار می‌کرد؛ به اموختن تکنسیس پرداخت و با زبان اسپانیایی آشنا شد و ای تجاه کار مطلوب نبود. فوتیل که در سراسر زندگی به این علاقه مند بود به مؤقتی های ریسید. در سال ۱۹۲۹ به عنوان دوچارهان به تم جوانان دانشگاه رسینگ الجزیره پیوست. در سال ۱۹۳۰ و با دریافت دیپلم، تختین گام را به سوی ترقی پرداخت. سپس در دسامبر همان سال نخستین نشانه‌های ابتلاء به بیماری سل در او تعبیان شد و به همین خاطر محصور شد فوتیل را کنار بگذارد، هر چند که تا آخر عمر کوئاوش یک تماشچی فوتیل باقی ماند.

از او رمان‌های بیکانه، سقطون و مرگ خوش و نمایشنامه‌های کالیگولا، سو، نفاهم، عادل... و افسانه سیزیف، انسان یافغی و مجموعه یادداشت‌ها به فارسی منتشر شده است.

پیدا کردن جای قدمهای کامو در پیاده رو
پیدا کردن جای قدمهای کامو در پیاده رو و هرساله گردشگران بسیاری در الجزایر، فرانسه، آمریکا و دیگر کشورها دست نوشته‌ها و اثار به جا مانده از کامو در موزه‌های در الجزایر، فرانسه، آمریکا و دیگر کشورها نگهداری می‌شود و هرساله گردشگران بسیاری را جذب خود می‌کند اما وجه توریستی کامو از این نظر اهمیت ندارد او در مکان‌های است که در آنها بود، کافه‌ها و شهرها. حالا مراکز فرهنگی و فروشگاهها و کافه‌هایی همچنان که کتابخانه‌های بسیاری وجود دارند که نام خود را از آلبر کامو گرفتند.



در شهر پاریس بلوار مونپارناس که آلبر کامو، سیمون دو بووار، زان پل سارتر بروی پیاده روی و گردش می‌پیوستند و کافه لافر که قرارهای خود را در انجام گذاشتند به سیمیری بروی گردشگران تبدیل شده و این مسیر بر روی نقشه پاریس برای آنها شناخته شده است. یکی از برامه‌های اصلی تورهای گردشگری که به الجزایر می‌روند دیدار از محل زندگی آلبر کامو، خانه‌ای که در دوران کودکی در آن زندگی می‌کرد، کوچه و خیابان‌های اطراف محل زندگی، آیارمان نیخی، ایکافروشها و کافه‌های است که کامو به آنها آمد و ند داشت.

ایادداشت‌های سفر
ایادداشت‌ها را در پنج جلد خیلی دلیلی می‌منشیر کرد که جلد چهارم آن به یادداشت‌های سفر

اختصاص دارد، سفرهایی که او به آمریکا، کانادا و آمریکای جنوبی داشته است. درباره و اشیائی می‌نویسد: «فروپهای لخت و تبلیغ زیبادی انجام می‌داد و از هر سفر یادداشت‌هایی به جا می‌گذاشت که در کتاب‌های مختلفی در قالب یادداشت‌های سفر گردآوری می‌شد. نمایشگاه دست نوشته‌های او که هر چندی در گوش و کنار جهان کشته شدند.»
او شادی جیغ زندگی و استیکلار بازی می‌کند و آمریکایی هایی که با پیراهن‌های دگمه‌دار پس از تماشای فیلمی در سینماهای قدیمی آدمانه و روی نیمکتها لو شدندان و با همانده ایزی شان پستنی‌های پیچیده در گاهد را مک می‌زنند و سنجاق‌هایی که از زیر خاک جلوی پای ادم خوراکی پیدا می‌کنند، خواهایی هایی که فقط به همان خود آنها مزه می‌کند. روی صدھا هزار درخت شیر میلیون‌ها برند، پیدا مدن اولین ستاره در آسمان پاک و آرام بالای سر مجسمه و نشان را به استیکلار می‌روند و حاره‌ون چهارها از لایه‌لایی افقها و جم که جلوی بنای یادبود اشیائی گشته است راهشان را باز می‌کنند و جلو می‌روند و با تگاه خیره مانشان و صورت گندیده‌شان به ایمان جلطه‌ای از امش می‌بخشند».
او پس از آمریکا به کانادا و آمریکای جنوبی سفر کرد، به بریل، آزادنی و چند کشور دیگر. در سفرنامه بروزیل می‌نویسد: «ساپویاولو و خوشیدی که با سرعت غروب می‌کند- اگری های تبلیغات نویی یکی پس از دیگری فرار اسما خراسانی هایی ظلم و عرض می‌شوند. درخان نخل بزرگ لایه‌ای ساختمان ها سر برآورده است و نعمه بی وقفه هزاران پرده که پایان روز را خوشامد می‌گویند شنیده می‌شود، که با صدای حیچ‌مانند بوق علی اتومبیل‌ها که حیر از بازگشت کارپیشگان می‌دهد خفه می‌شوند. شام با اوسوالد د آندرا، شخصیت ششمگیر، نظرش این است که بریل پر از اندامهای بدوی است و این خلی خوب است. شهر ساپویاولو شیری غرب، یک اوران می‌حد و مزء احمقانه فراموش می‌کنم چیزی را که بیش از همه بر من تأثیر گذاشته است یادداشت کنم، در رادیو ساپویاولو برامه‌ای هست که قبیران روی آنتن می‌روند تا سکسلاتشان را گویند و کمک یخواهند. امشب یک مرد سیاهپوست درشت‌اندام و زندبوش با دخترخانه ایست گفتش که این دنیا کی مگد که از یچه نگهاداری کند، اما یچه را او نزدند. یک خلیان جنگی سایق و بیکاردنیان یک شغل مکانیکی است و غیره، بعد در آدرا رایو متقدت تلفن‌هایی از شنیدنگان می‌شونم. پیغ دفنه سپس از پایان برنامه، نلنن بی وقفه زنگ می‌زند. هر کسی چیزی پیشگز می‌شوند. وقتی مرد سیاهپوست پای تلفن است، خلیان جنگی سایق دخترخانه را در بغل گرفته تاب می‌دهد».

هفته نامه تعطیلات نو

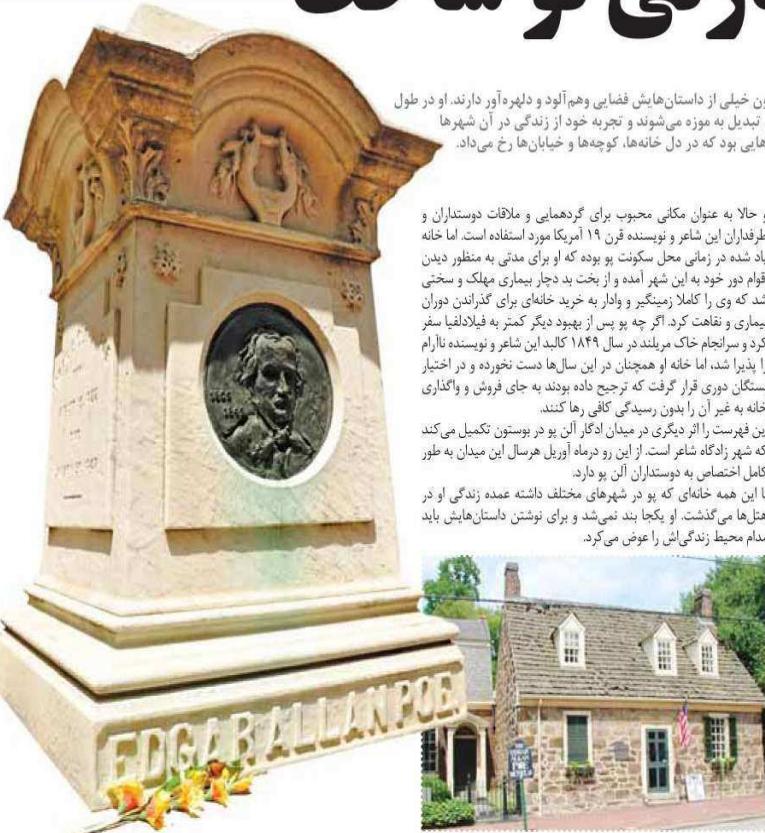
<http://www.newholidays.ir>

شماره : ۷۸ شماره صفحه :

تاریخ : ۱۳۹۱/۰۳/۹

{ درباره آن پو و خانه‌های به جامانده از او در شهرهای مختلف }

هر کجا رفت عمارتی نو ساخت



آدگار آن پو نویسنده آمریکایی را با لقب «سلطان وحشت» می‌شناستند؛ چون خیلی از داستان‌ها یاش فضایی وهم آسود و دلهره‌آور دارد. او در طول زندگی خود در شهرهای زیادی زندگی کرد، در خانه‌هایی که حالا بیکی نیکی تبدیل به موزه می‌شوند و تجربه خود از زندگی در آن شهرها را وارد داستان‌هاش کرد. زندگی در شهرهایی که آمیخته به ترس از اتفاق‌هایی بود که در دل خانه‌ها، کوچه‌ها و خیابان‌ها رخ می‌داد.

و حالا به عنوان مکانی محبوب برای گردشمانی و ملاقات دوستداران و طرفداران این شاعر و نویسنده قرن ۱۹ آمریکا مورد استفاده است. اما خانه باد شده در زمانی محل سکوت بو بوده که او ای رسانی به منظور دیدن مزr میان عقل و جنون چه اندیشه‌ای داشته باشد. این شعر از زمان و مکان اعمال اذهن بیشتر و سرویشت کیهانی او را می‌کند و خواننده می‌لذت دهد. افقام دور خود این شعر امده و از پیش بد دچار بیماری مملک و سختی شد که وی را کاملاً زمینگیر و اداره به خرد خانه‌ای برای ۷۰ روز از دنیا خارج کرد. اگرچه پس از بهبود دیگر کمتر به فیلادلفیا سفر بیماری و نقاهت کرد، اگرچه پس از بهبود دیگر کمتر به فیلادلفیا سفر کرد و سراجام حاک مرندن در سال ۱۸۴۹ کالبد این شاعر و نویسنده تارام را زنده کرد. اما خانه او همچنان در این سال‌ها دست تخریب در اختبار بستانکان دوری فریل گرفت که ترجیح داده بودند به جای فروش و واگناری خانه به غیر از ارادون رسیدگی کافی رها کنند. این فیروزت را اثر بگیری در میدان ادگار آن پو در بوستون تکمیل می‌کند که شهرزادگاه شاعر است. از این روز ماهه اولیه هرسال این میدان به طور کامل اخصاص به دوستداران این پو دارد.

آن پو و نویسنده از این مکانی محبوب برای گردشمانی و ملاقات دوستداران

پیش درآمدی بود بر آنجه بعدها، داستان‌پردازی و کافکا تکاملی پیشیدند. پوئنگاهی زیف به درون «تمثیلی‌های ذهنی» انسانی می‌افکند که شان می‌دهند مزr میان عقل و جنون چه اندیشه‌ای داشته باشد. اقصاهای پو از این زمان و مکان اعمال اذهن بیشتر و سرویشت کیهانی او را می‌کند و خواننده می‌لذت دهد. افقام دور خود این شعر امده و از پیش بد دچار بیماری مملک و سختی شد که وی را کاملاً زمینگیر و اداره به خرد خانه‌ای برای ۷۰ روز از دنیا خارج کرد. اگرچه پس از بهبود دیگر کمتر به فیلادلفیا سفر بیماری و نقاهت کرد، اگرچه پس از بهبود دیگر کمتر به فیلادلفیا سفر کرد و سراجام حاک مرندن در سال ۱۸۴۹ کالبد این شاعر و نویسنده تارام را زنده کرد. اما خانه او همچنان در این سال‌ها دست تخریب در اختبار بستانکان دوری فریل گرفت که ترجیح داده بودند به جای فروش و واگناری خانه به غیر از ارادون رسیدگی کافی رها کنند.

این فیروزت را اثر بگیری در میدان ادگار آن پو در بوستون تکمیل می‌کند که شهرزادگاه شاعر است. از این روز ماهه اولیه هرسال این میدان به طور کامل اخصاص به دوستداران این پو دارد.

L زندگی در شهرهای مختلف

پیشگام سیکهای مختلفی از جمله روابط روانشناختی، انسان‌های جانی سه سال پیش بود که تبعیمن خانه‌ای ادگار آن پو به نیت رسید و تبدیل به موزه شد. این خانه محل اقامت او و جایی معرفی شده که او دوران نوجوانی و سریع‌گیری خود را از سرگذشته است. آنرا که با اعانتایی محافل ادبی آمریکا روپرتو شد، تأثیر فراوانی بر شوار و دوستداران شاعرگرای فراسه بورنیه بود، رموم و مازلمه داشت. او یکی از پایه‌گذاران «سنت سیاه» در ادبیات آمریکا بود که ویلیام فالکرت از چهارهای برگشته این به نصار می‌اید.

چهاره‌ای هولک و همیشه حاضر مرگ و احساس گناه گریزانیدر قهرمانان پو، داسان و هشت شعر را به پایان رسانده است. شهرداری بالتمور که هزینه نگهداری این موزه را تأمین می‌کرده است، مال گاشته گفته دو دیگر فارغ به پرداخت مخارج آن نیست. در بالتمور، این بنیاد غیر انتفاعی حمایت از حیوانات برای تامین زمزمه نگهداری خانه و موزه پو اعلام امداد کرده و مشغول مذاکره با شهرداری است.

موزه مریلند تبت شده و محلی است که بود در دوران اقامت در این حدائق ۹

داسان و هشت شعر را به پایان رسانده است. شهرداری بالتمور که هزینه نگهداری این موزه را تأمین می‌کرده است، مال گاشته گفته دو دیگر فارغ به پرداخت مخارج آن نیست. در بالتمور، این بنیاد غیر انتفاعی حمایت از حیوانات برای تامین زمزمه نگهداری خانه و موزه پو اعلام امداد کرده و مشغول مذاکره با شهرداری است.

خانه بعدی در نیوپورت است. مکانی که نویسنده در کلک همسرش هنگامی که از بیماری مثل رنچ می‌برده زندگی می‌کرد. این خانه در قرن بیستم به لیل بیماریات ایجاد شده اکنون در میانه بارگ قرار گرفته است.

«سایت تاریخی ملی پو» در فیلادلفیا هم جایی است که بود با خانوار داشت هنگامی که گفته می‌شد داسان کوهنه گریه سیاه را می‌نوشت، خانه چهارمی است که به نام ادگار آن پو در میراث ملی آمریکا به نیت رسیده



فاطمه شاهجهانی

fatemeh@newholidays.ir



هفته نامه تعطیلات نو

<http://www.newholidays.ir>

شماره : ۸۳ شماره صفحه : ۱۲

تاریخ : ۱۳۹۱/۰۴/۱۸

{ درباره موزه و آثار به جا مانده از پابلو نرودا، شاعر شیلیایی }

موزه‌ای پر از عاشقانه‌ها

Lحتماً به حال از کنار موزه هنرهای عاصر و محظوظه چمن کنارش رد شده‌است و مجسمه‌های فلزی بدبود را دیده‌اید و تحسین کرده‌اید. مجسمه‌های مجسمه‌ای هست که شاید ندانید داستان پیش‌نشن چیست. این اثر ادوارد جیلیدا مجسمه‌ساز اسپانیایی خلق کرده و نام آن را در سیاست‌ماهی نرودا شاعر شیلیایی گذاشته است. زمان خلق اثر به سال ۱۹۷۴ یعنی حدود ۴۰ سال پیش بر می‌گردد و جنس آن از فولاد است. از بخت خوب ما این اثر دم گوشمان است و عی توافقیم به دیدن برویم.



چندان کرده، گویا شاعر نرودا به این اشاء حان بخشیده‌اند. در شعرهای نرودا طبیعتی که در آن زندگی می‌کرد و افیانوسی که هر روز آن را می‌بدد مشهود است.

کنکاش نرودا در طبیعت تائیرش را در تمام زندگی او گذانسته است. او در خاطرات خود نوشته بود: «روزی در آغاز سال نو روزنامه‌نگاری از من پرسید، لینا را چگونه می‌بینید؟ درست در همین سال که آغازگر آیم؟ پاسخ من این بود: درست در ممتن لحظه در ساعت نه و بیست دقیقه به پادشاه بنجم (لویه) در دیدگان من تمامی دنیا بکسره گلگنگ، در زیمه‌ای است و این بدان معنی است که از خال بتعود اثالم، ششم‌دانار و سیسی گلهای بیچک به رنگ‌های گلی، سبید، موئی، ارغوانی، از یک سو و ستر بی کران نیایی وش اقیانوس آرام و اسماں نیگون بی‌بابان، سراپایام را به شگفتی وادانسته است؛ اما ما همه می‌دانیم که شش‌ماهه‌های حیان اوه رنگ‌های دیگر فراپوشی است. جه کسی می‌تواند اکلار کند خون‌های سرخی را که باز خمی تمام در باتلاق‌های ویستان در روزه به زمین ریخته می‌شوند؟»

لخ و شیرین آن پشت سر می‌گذارید. از لذاتش لدت می‌برید و از نارادی هایش رنج.



هفته نامه تعطیلات نو

<http://www.newholidays.ir>

شماره : شماره صفحه : ۱۳

تاریخ : ۱۳۹۱/۰۴/۱۴

پس از آن نرودا کنسول شیلی در بارس شد و به انتقال پنهان‌گان جنگ اسپانیا به فرانسه کمک کرد. بعد از بارس به مکریکو رفت. در ۱۹۴۳ به شیلی بازگشت و پس از آن سفری به پور کرد و بازدید از خرابهای ماقوپیچو برو او اثر کرد و شعری در این‌باره سرود در ۱۹۴۵ به عنوان سناپوری کمونیست شیلی تند در ۱۹۶۶ پس از شروع سای شیلی مشغول شد و چهاراه بعد سما غصه حرب کمونیست شیلی تند در ۱۹۶۶ پس از شروع سرکوبی مارساز کارگری و حرب کمونیست و سخنرانی تندی بر ضد حکومت کرد و پس از آن مدتی مغضف زندگی کرد. در سال ۱۹۴۹ با از زر به از زنین فرار کرد.

پس از ووستان او در بونتوس ایرس شاعر و نویسنده کوتاه‌الایمیگل آنخل استوریاس، برندۀ بعدی منش شده‌اند. او را شعر معروف‌های راز من پگیر اما خدمات راهه می‌شناسیم. نام اصلی او **فانتالی ریکاردو ریس پاساآلو** بود و نام «پابلو نرودا» را روز نویسنده چک بان نرودا به عنوان نام مستعار خود اختاب کرده بود و درها **«پابلو نرودا»** نام رسمی او شد. از آن به شیلی بازگشت. این شاعر پرسفر در سانتیاگو پایاخت شیلی به دنیا آمد. به اسطهه کارهای نظر کنسولگری سفرهای اجمعین بین‌المللی که نرودا که شباخته به استوریاس داشت با گذرانه اوه به پارس سفر کرد. پس در دهه ۱۹۶۰ به انتقاد شدید از سیاست‌های امریکا و چنگ و پیتان برداخت. در ۱۹۶۶ در کنفرانس بسیاری به اقصا نقاط جهان کرده مدتی به عنوان کارمند دولت شیلی به بمه و آنوزی رفت و به سلطان بروستات چند روز پس از کودتا زیوال پیوشه و کشته شدن شد. مرگ او در این مشاغل دیگر بیز برداخت. بعد مأمور به کنسولگری شیلی در بارسلون و بعد کنسول شیلی در مادرید شد. در همین دوره جنگ داخلی اسپانیا در گرفت.



موزه نرودا در سانتیاگو

نرودا صاحب موزه‌ای در سانتیاگو پایاخت شیلی است که زمانی در آن زندگی می‌کرد و خانه شخصی اش بود. عکس‌ها، یادداشت‌ها و نامه‌های خصوصی او در این موزه که «نرودا عاشق» نام گرفته، به نمایش گذاشته شده است. علاوه بر این اثاثه ایگری که از نرودا به جا مانده شامل وسایل شخصی و دست‌نوشته‌های دیگر کشش در این موزه در معرض دید عموم است. برخی از آثار این موزه به کمک ووستان و اشیایان نرودا که برخی از آنها هنوز نهفته هستند گردیده قسمتی از موزه شامل نامهای خصوصی و هدیه‌هایی که نرودا به امایله همسرش تقدیم کرده می‌شود. این هایی محدود نکه هستند و باید گفت که از جناب ترین پیش‌های موزه محسوب می‌شود.

نام این خانه «ایسلاگر» با «جزیره سیاه» بوده، اما این خانه هنوز بزرگ است نه سیاه، بلکه نامش برگرفته از صحرای سیاه است که در اقیانوس آرام و در نزدیکی این خانه قرار دارد. نرودا این خانه را به گونه‌ای ساخته بود که کشته را ناخایی کند. از خود را ناخایی کشته می‌دید و سیاری از الشایی که در آن جمع‌آوری کرده بود، به همین مناسبت می‌خرید. اشراف به اقیانوس آرام گیرایی چنین فضایی را دو

فالمه شاهزادی

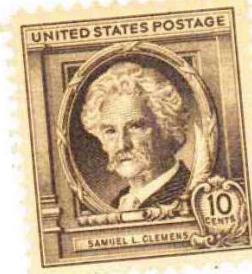
fatemeh@newholidays.ir

سفرهای بی شمار شاعر

پابلو نرودا شاعر محبوب و معروفی در ایران است. شعرهایش از سوی احمد پوری و دیگران ترجمه و منتشر شده‌اند. او را شعر معروف‌های راز من پگیر اما خدمات راهه می‌شناسیم. نام اصلی او **فانتالی ریکاردو ریس پاساآلو** بود و نام «پابلو نرودا» را روز نویسنده چک بان نرودا به عنوان نام مستعار خود اختاب کرده بود و درها **«پابلو نرودا»** نام رسمی او شد. از آن به شیلی بازگشت. این شاعر پرسفر در سانتیاگو پایاخت شیلی به دنیا آمد. به اسطهه کارهای نظر کنسولگری سفرهای اجمعین بین‌المللی که نرودا که شباخته به استوریاس داشت با گذرانه اوه به پارس سفر کرد. پس در دهه ۱۹۶۰ به انتقاد شدید از سیاست‌های امریکا و چنگ و پیتان برداخت. در ۱۹۶۶ در کنفرانس بسیاری به اقصا نقاط جهان کرده مدتی به عنوان کارمند دولت شیلی به بمه و آنوزی رفت و به سلطان بروستات چند روز پس از کودتا زیوال پیوشه و کشته شدن شد. مرگ او در این مشاغل دیگر بیز برداخت. بعد مأمور به کنسولگری شیلی در بارسلون و بعد کنسول شیلی در مادرید شد. در همین دوره جنگ داخلی اسپانیا در گرفت.

مارک تواین داستان‌هایش را از تجربیات سفر لبریز می‌کرد

ناخدایی که نویسنده شد



نویسنده محبوب کودکان و نوجوانان، با شخصیت‌های داستان‌های او روایه‌داری کردیم و خود را آنها گذاشتیم. شخصیت‌هایی که بعدها فهمیدیم خالق شان چه کسی بود. هاکلبری فین، تام سایر و شاهزاده و گدا. داستان‌هایش پر از ماجراهای پرهیجان و مونستادشتنی بود و ما را خود به سرزمین‌های عجیب می‌برد. روی کریچ هاکلبری فین فخمه‌ها روی اب یوپیم، و جزیره‌ها را درمی‌نوردیدم. مارک تواین نویسنده امریکایی با آن عکس‌های عجیبی که از او به جا مانده، با خانه‌ای که تبدیل به موزه شده و متعلقاتش نویسنده همه این داستان‌هast است. نویسنده‌ای که یک مسافر تمام‌عیار بود و شغل عجیبی که با سفر گروه خود ره بود داشت: تاخدایی کشته.

به موزه فرستاده شده است. در سیاری از زندگی و آثار او از جمله مدارکی است که در این موزه وجود دارد. موزه مارک تواین پایه‌ای اصلی رمان‌است. ماجراهای هاکلبری فین که نخستین بار در سال ۱۸۸۴ منتشر شد، یکی از بزرگترین رمان‌های امریکایی به شمار می‌رود. این رمان هم‌منان با روابط سفر پری در طول رودخانه می‌رسی سی سی پی در خواص سال‌های ۱۸۲۵ تا ۱۸۴۵ شناخته شد. فراخ و نگوش مردم جنوب امریکا را نسبت به تعییض زادی و بردهداری به نظر می‌شد.

مارک تواین که دنیا به سمت صنعتی شدن گرفتاری داشت و انقلاب صنعتی در گوهه و کار جهان در حال قوی بود. با گسترش تکنولوژی‌های نقل و انتقالات و وسائل ارتباطی گزینی فرهنگی از شهراهی کوچک به سمت سرویس‌دهی‌های بزرگ می‌کند و بعد در شهرهای بزرگ شرک می‌شود. به عنوان یک مرد جوان، تواین با یاری پیاده به سفر می‌پرداخت، با رفاقت از جایی به جای دیگر می‌زد. به عنوان یک مرد بالغ، و به عنوان یکی از امریکایی‌های که بیش از دیگران به سفر رفت، بود. او با یاری کشته‌ای پیخار بین‌المللی و قطار سفر می‌کرد و حتی شاهد اختراع تومبلین هم بود.

مجسمه مارک تواین
علاوه بر موزه مارک تواین به عنوان مکان توریستی برای آشنازی با این نویسنده نامیگذاری مختلف هم در شهرهای مختلف برای شاخت بیشتر او بروی می‌شود. سال گذشته بود که بارگردانی و نویسنده نیویورک مجسمه‌ای را به اختصار مارک تواین نصب کرد. این مجسمه که از سوی شماری از هواهادان مارک تواین ساخته شده به اشاره قامت طبیعی و از جنس برنز ساخته شده و تجسم یکی از شخصیت‌های اصلی داستان‌های تواین نیز «دام» است.

شهردار منطقه المیری نیویورک این مجسمه را به عنوان نقطه‌ای مناسب و عالی برای نصب این مجسمه نام برد و وقتی از بخش‌هایی که وجود آرد این است که این مجسمه جنبه‌ای منتهی دارد چون همیشه از حضرت امام اشراه دارد، اما حقیقت این است که این مجسمه به بارگردان ادیشه‌ها پیش و اثراش ساخته شده است. اگر به جای این مجسمه، مجسمه هاکلبری فین نیز نصب می‌شد، پس از این موزه مارک تواین بود.



هفته نامه تعطیلات نو

<http://www.newholidays.ir>

شماره : ۸۴ صفحه : ۱۳

تاریخ : ۱۳۹۱/۰۴/۲۷



مردم کمالی

info@newholidays.ir

۱

نویسنده پر سفر
مارک تواین که نام اصلی اش ساموئل لیکهورن کلمتس بود ۳۰ نومبر ۱۸۳۵ در مز میسوزی در

روستای قلوبیدا با کلبه‌ای جویی برآمد که دنیا امده. ۱۲ ساله بود که پدرش درگذشت و او مجبور شد در چایخانه‌های محلی پادویی کند و بعد در روزنامه‌ای که پدرش دایر کرده بود، ابتدا خروجی‌های رفته و گفت کوتاهی در چایخانه‌ای در ۱۸ سالگی به سمت لوئیس بزرگترین شهر مسورو رفت. بعد به سویورک در آنجا خروجی‌چشمی می‌کرد. سفر اتفاق جامی به امریکای جنوبی داشت.

از ۱۸۵۷ تا ۱۸۶۴ سوار بر کشی خارج بر میسی‌سی‌پی سفر می‌کرد. در ۱۸۵۹ به دنیا امده ۱۲ ساله بود که پدرش درگذشت و او مجبور شد در چایخانه‌ای محلی پادویی کند و بعد در روزنامه‌ای که پدرش دایر کرده بود، ابتدا خروجی‌های رفته و گفت کوتاهی در چایخانه‌ای در ۱۸ سالگی به سمت لوئیس بزرگترین شهر مسورو رفت. بعد به سویورک در آنجا خروجی‌چشمی می‌کرد. سفر اتفاق جامی به امریکای جنوبی داشت.

از ۱۸۶۶ تا ۱۸۶۷ سوار بر کشی خارج بر میسی‌سی‌پی سفر می‌کرد. در ۱۸۶۷ به دنیا امده ۱۲ ساله بود که پدرش درگذشت و او مجبور شد در چایخانه‌ای محلی پادویی کند و بعد در روزنامه‌ای که پدرش دایر کرده بود، ابتدا خروجی‌های رفته و گفت کوتاهی در چایخانه‌ای در ۱۸ سالگی به سمت لوئیس بزرگترین شهر مسورو رفت. بعد به سویورک در آنجا خروجی‌چشمی می‌کرد. سفر اتفاق جامی به امریکای جنوبی داشت.

از ۱۸۶۷ تا ۱۸۶۸ سوار بر کشی خارج بر میسی‌سی‌پی سفر می‌کرد. در ۱۸۶۸ به دنیا امده ۱۲ ساله بود که پدرش درگذشت و او مجبور شد در چایخانه‌ای محلی پادویی کند و بعد در روزنامه‌ای که پدرش دایر کرده بود، ابتدا خروجی‌های رفته و گفت کوتاهی در چایخانه‌ای در ۱۸ سالگی به سمت لوئیس بزرگترین شهر مسورو رفت. بعد به سویورک در آنجا خروجی‌چشمی می‌کرد. سفر اتفاق جامی به امریکای جنوبی داشت.

از ۱۸۶۸ تا ۱۸۷۰ بعد از خالق شاهکارهای جون هاکلبری فین، چندین رمان که نویسنده اصلی آنها سایر بود، رمان شاهزاده و گدا و یک زندگانی درگذشت. وصیت کرده بود

زندگی نامه اش سال پس از مرگ مشتمل شود.

۲

۱

موزه مارک تواین خانه مارک تواین در ایالت میسوزی امریکا تبدیل به موزه شده است. او در بین سال‌های ۱۸۷۴ و ۱۸۹۱ به همراه خانواده‌اش در آن زندگی می‌کرد. موزه ۱۶ و نیم میلیون دلاری تواین توسط را بر ایستادن در مسد آنها از خارج ایالات متحده هستند برای دیدار از خانه مارک

تواین آمریکا میرودند. گفته می‌شود تمهیدات جدید این تعداد را تا چند سال دیگر به نیم میلیون در سال خواهد رساند. خانه مارک تواین از سال ۱۹۶۷ جزء متعلق طنزی امریکا به ثبت رسیده است. در همین مکان بوده است که تواین شاهکارهای معروف خود چون تایم سایر و هاکلبری فین را نوشته است.

دست‌نویس‌های اصلی از «ماجراهای هاکلبری فین» مربوط به سال ۱۸۸۵ و «زندگی روی